#### آشنایی‏ با معارف قرآنی‏ ودسته‏بندی آیات

معصومه شکیب

##### اشاره:

نوشتار حاضر مقاله‏ای است که طی آن نویسندهء محترم‏ در صدد ارائه طرحی پیشنهادی برای آشنایی با معارف قرآنی‏ است.از آنجایی که درج مطالب دریافتی از سوی دبیران محترم‏ کشور،جزو سیاستهای مجله است،شما همکاران گرامی را به‏ قرائت این مقاله دعوت می‏کنیم.

##### طرح دسته‏بندی آیات

پیداکردن عنوانی کلی برای مفهوم یک یا چند آیه مثلا آیاتی که دربارهء نماز یا جهاد یا امر به معروف و نهی از منکر است،کار مشکلی نیست؛ ولی شکل‏دادن و گنجانیدن عناوین در یک نظام مشکل است.یعنی‏ فرض کنیم،همهء قرآن را بررسی کردیم و مفاهیمی به دست آمد.مثلا صد عنوان را دسته‏بندی کردیم،جال این عناوین را چگونه تنظیم کنیم تا نظام منسجمی به وجود بیاید؟مثلا آیهء اول قرآن حمد خداست؛پس‏ اولین عنوان«حمد خدا»می‏شود و آیهء اول سورهء بقره راجع به کسانی‏ است که هدایت قرآن شامل حال آن‏هاست؛پس عنوان دوم،هدایت‏ خواهد بود؛همین‏طور سایر عناوین.آیا به همین ترتیب عناوین را دسته‏بندی کنیم؟یا می‏توان در بین این‏ها نیز نظامی برقرار کرد و یک‏ نقطهء شروع طبیعی و منطقی برای آن در نظر گرفت؟

این عناوین را می‏توان تحت عناوین کلی‏تری مندرج کرد.مثلا نماز، روزه،خمس و زکات را تحت عنوان عبادات؛بیع،اجاره و قرض را تحت عنوان معاملات قرار داد.حالا این عناوین کلی را چگونه تنظیم‏ کنیم؟چه رابطه‏ای بین آن‏ها در نظر بگیریم؟

##### طرح‏های پیشنهادی

در این‏جا سه طرح را می‏توان پیشنهاد کرد.(البته طرح‏های دیگر هم‏ ممکن است عرضه شود ولی به عنوان نمونه،بهترین طرح‏هایی که برای‏ تقسیم‏بندی معارف قرآن عرضه می‏شود ذکر می‏کنیم تا از بین آن‏ها یکی‏ را انتخاب کنیم.چندین طرح ممکن است برای تقسیم‏بندی معارف قرآن‏ عرضه شود.در اینجا سه تا از بهترین آن‏ها را به عنوان نمونه پیشنهاد می‏کنیم:

1.شاید ذهن با این تقسیم‏بندی بیش‏تر آشنا باشد که محتوای دین‏ به سه قسم تقسیم می‏شود:عقاید،اخلاق و احکام.در تفسیر المیزان‏ هم در بسیاری از موارد این روش یادآوری شده است.این تقسیم‏بندی‏ در سه سال دورهء دبیرستان می‏تواند مطرح باشد.یک دسته در باب اصول‏ عقاید(توحید،نبوت،معاد،عدل و امامت)و جزییات این اصول، مثلا عالم برزخ.دستهء دیگر در باب اخلاق و دستهء سوم در باب احکام؛ البته باب احکام در آخر کتب درسی آورده شده است.

این طرح شاید خوب به نظر بیاید و طرح خوبی هم هست ولی‏ می‏توان اندکی به آن خرده گرفت.یکی این‏که گنجانیدن همهء مفاهیم‏ قرآن در این سه بخش مشکل است.مثلا یک بخش مهم از آیات قرآن‏ دربارهء تاریخ انبیا و داستان‏های پیامبران است.هرچند در ضمن داستان‏ نکته‏های توحیدی تشریعی و اخلاقی هم هست؛ولی مجموعهء داستان‏ نه این است و نه آن.بلکه بخش خاصی است که اگر آن را جمله جمله‏ کنیم،دیگر داستان نخواهد بود.اگر کسی بخواهد نظر قرآن را دربارهء اصحاب کهف بداند،معلوم نیست به کدام باب باید رجوع کند و بابی‏ روشن و گویا که انسان بتواند داستان‏ها را در آن به‏طور مشخص پیدا کند،وجود نخواهد داشت.یک اشکال جزیی دیگر هم وجود دارد وآن‏ این‏که خود این سه قسم،رابطهء روشنی با یکدیگر ندارند و باید با تکلّف، رابطه‏ای بین آن‏ها برقرار کرد.البته این اشکالات خیلی جزیی است. اگر طرح بهتری پیدا نکردیم می‏توانیم به همین طرح عمل کنیم.

2.طرح دوم مبنی بر این است که بگوییم قرآن برای هدایت انسان‏ها (هدی للنّاس)انسان،دارای ابعاد گوناگون مادی،معنوی،فردی، اجتماعی،دنیوی و اخروی است؛بنابراین معارف قرآن را بر حسب ابعاد وجود انسان دسته‏بندی می‏کنیم و به این ترتیب محور تقسیم‏بندی را «انسان»قرار می‏دهیم.

البته این کار شدنی است و اشکال اساسی هم ندارد،ولی به نظر می‏رسد که اشکال فنی آن از طرح اول بیش‏تر است.چرا که وقتی با دقایق مفاهیم قرآن آشنا می‏شویم،می‏بینیم که انسان را محور قرار دادن‏ از نظر قرآن خیلی مورد قبول نیست و این یک نوع گرایش«اومانیستی»که‏ اصل را انسان قرار دهیم و همه چیز را در رابطهء با انسان بسنجیم.قرآن با این نوع گرایش موافق نیست و ما به خوبی می‏بینیم که تمام مفاهیم قرآن‏ در هر موردی از عقاید تا اخلاق،مواعظ،داستان‏ها،تشریعات،احکام‏ فردی و اجتماعی و...همه یک محور دارد و آن«اللّه»تبارک و تعالی‏ است.وقتی قانونی و حکمی را بیان می‏کند،می‏گوید:خدا این حکم‏ را بر شما نازل فرمود؛وقتی«اخلاقی»را بیان می‏کند می‏گوید این خلقی‏ است که خدا می‏پسندد:

«ان الله یحبّ المقسطین»

مائده/42

«و الله یحبّ الصّابرین»

آل عمران/146

«انّ الله لا یحبّ المفسدین»

قصص/77

محور اخلاق هم الله تبارک و تعالی است و می‏توانیم بگوییم آیات‏ قرآن براساس«الله‏محوری»است.به اصطلاح،مکتب قرآن مکتب‏ «خدامحوری»است نه«انسان‏محوری».پس انسان را محور قرار دادن‏ یک نوع انحراف است و باید الله را در معارف قرآن محور قرار داد وآن را حفظ کرد که روح تعالیم قرآن کاملا با آن سازگار است.بنابراین نخست‏ به مسایل خداشناسی وارد می‏شویم و سپس سایر مسایل‏ انسانی را از راه تدبیر و تربیت الهی نسبت به انسان مورد بحث قرار می‏دهیم.بدین ترتیب،نظام منسجمی از معارف به دست می‏آید که هم‏ محور اصلی آن‏ها اصالت حقیقی دارد و هم حلقه‏های آن دارای پیوند و ترتیب روشنی است.

بر این اساس می‏توانیم نظام معارف قرآنی را به صورت زیر در نظر بگیریم:

1.خداشناسی:شامل مباحث شناخت خدا و توحید و صفات و کلیات افعال الهی می‏شود.

2.جهان‏شناسی:شامل مباحث آفرینش جهان(زمین و آسمان و ستارگان)و پدیده‏های جوّی(رعد و برق،باد و باران و...)پدیده‏های‏ زمینی(کوه‏ها،دریاها،...)می‏شود و ضمنا عرش و کرسی و فرشتگان‏ و جنّ و شیطان نیز مورد بحث قرار می‏گیرند.روشن است که بعد از بحث از کلیات افعال الهی که در بخش اول انجام می‏گیرد،نوبت به‏ افعال(خلق و تدبیر)می‏رسد و طبیعی است که بحث از آفرینش جهان، مقدم بر آفرینش انسان است.

3.انسان‏شناسی:شامل مباحث آفرینش انسان می‏شود.مانند ویژگی‏های روح،کرامت و شرافت انسانی،مسؤولیت و شرایط آن‏ (آگاهی،قدرت عمل،اختیار)ابعاد مختلف وجود انسان،سنت‏های‏ الهی در تدبیرات فردی و اجتماعی،معاد و سرنوشت‏های نهایی بشر.در این بخش روشن می‏شود که زندگی دنیا مقدمه‏ای برای آخرت و مرحله‏ای‏ است که انسان باید با انتخاب خود،راه سعادت را برگزیند و سرنوشت‏ نهایی خود را بسازد و تدبیرات الهی در این جهان بر محور تأمین مقدمات‏ انتخاب(ابتلا و آزمایش)دور می‏زند.

4.راه‏شناسی:شامل مباحث شناخت‏های عادی(انواع علم‏ حضوری و حصولی متعارف)و غیر عادی(الهام وحی)می‏شود و به‏ مسألهء نبوت و ضرورت بعثت انبیا و هدف آن و نیز مقامات ایشان(نبوت، رسالت،امامت)،همچنین مسایل اعجاز و عصمت پرداخته می‏شود و سرانجام مسأله جانشینی انبیا(امامت به معنای خاص)مورد بحث قرار می‏گیرد.

ارتباط این بخش با بخش قبلی روشن است؛زیرا بعد از آن‏که معلوم‏ شد،انسان موجودی انتخابگر است که باید راه خود را آزادانه برگزیند، نیاز به شناختن«راه»مطرح می‏شود که موضوع این بخش است.

5.راهنماشناسی:شامل مباحث تاریخ انبیا و ویژگی‏های هر یک‏ و کتاب‏هایی که بر ایشان نازل شده است و محتویات آن‏ها می‏شود.به‏ تاریخ پیغمبر اسلام(ص)و حوادثی که در زمان حیات آن حضرت اتفاق‏ افتاده است،می‏پردازد.ضمنا تاریخ اقوام و ملل و سایر داستان‏های‏ قرآن،در این بخش مطرح می‏شود.ترتّب این بخش بر بخش پیشین نیز روشن است؛زیرا پس از آن‏که دانستیم وحی و نبوّتی در کار است، نوبت می‏رسد به شناختن کسانی که گیرندهء وحی و رسانندهء آن به مردم‏ بوده‏اند.

6.قرآن‏شناسی:مباحث کلی دربارهء قرآن و ویژگی‏های آن،هدف‏ نزول،کیفیت نزول،اعجاز،جهانی‏بودن،ابدی‏بودن،اسلوب بیان‏ (استدلال عقلی،موعظه،جدل،تمثیل،قصص،...)و مباحث محکم‏ و متشابه و تأویل را شامل می‏شود.

ترتّب این بخش بر بخش سابق نیز روشن است زیرا پس از آن‏که‏ دربارهء کتاب‏های آسمانی پیشین بحث شد،نوبت به شناختن آخرین‏ کتابی که نازل شده است و جاودانه باقی خواهد ماند،می‏رسد.

7.اخلاق یا انسان‏سازی قرآن:شامل بحث خودشناسی و خودسازی است و خیر و شرّ در افعال اختیاری و رابطهء آن‏ها با کمال و سعادت نهایی را نیز شامل می‏شود.روش تربیت و تزکیهء قرآن(بیدار کردن انگیزه‏های خیرجویی به وسیلهء انذار و تبشیر)نقش ایمان و عمل و بیان رابطهء آن‏ها با یکدیگر و رابطهء هر دو با علم و سرانجام تفاصیل اخلاق‏ فاضله و رذیله.

این بخش به مناسبت بعد از«قرآن‏شناسی»می‏آید که در آن به‏ این نتیجه می‏رسیم که هدف قرآن،تزکیه و تعلیم است.تزکیه،بحث‏ اخلاق و خودسازی را ایجاب می‏کند و تعلیم بحث‏های آینده را.

8.برنامه‏های عبادی قرآن:بحث نماز،روزه،حج،قربانی،دعا و ذکر را شامل می‏شود؛یعنی اعمالی که رکن اساسی آن‏را تقویت رابطهء انسان با خدا تشکیل می‏دهد؛هرچند مصالح اجتماعی زیادی نیز در آن‏ها منظور شده است.

9.احکام فردی قرآن:شامل مباحثی نظیر حلال و حرام در خوردنی‏های و نوشیدنی‏ها(اطعمه و اشربه و صید و ذباحه)و تجمل و زینت است.

10.احکام اجتماعی قرآن:شامل مباحث اجتماعی،حقوقی، سیاسی و اقتصادی است که به بخش‏های فرعی زیر تقسیم می‏شود. 1.احکام مدنی 2.احکام اقتصادی 3.احکام قضایی 4.احکام جزایی‏ 5.احکام سیاسی 6.احکام بین المللی.

در این سه بخش اخیر،برنامه‏های عملی قرآن برای انسان در رابطهء با خدا،با خود و با دیگر انسان‏ها مطرح می‏شود و تعالیم این کتاب‏ آسمانی دربارهء هر بخش،جداگانه مورد بررسی قرار می‏گیرد.

بدین ترتیب معارف قرآن از نقطهء آغاز هستی شروع و به ترتیب، مراحل خلق و تدبیر الهی مورد بحث واقع می‏شود و با بیان ویژگی‏های‏ جامعهء آرمانی،انسانی خاتمه می‏یابد و در همهء مراحل ارتباط با محور اصلی«الله»کاملا محفوظ است.